

# از دست‌نوشته تا کتاب

محمد سید اخلاقی

چرخش قلم، مهار اندیشه را به دست می‌گیرد، مراحل متنوع و متعددی را طی می‌کند.

تعدد کتابها به لحاظ موضوع و نیز تنوع مخاطبانِ بیشمار آن، متضمن برنامه‌ریزی گسترده و جداگانه برای هر کتاب است.

چگونگی تدوین و تنظیم یک کتاب درسی، آماده سازی و تدارک و تولید آن و حتی انتخاب مواد و مصالح، از جمله کاغذ، مقوا و نوع حروفچینی با کتاب دیگری در مقوله‌ای غیردرسی تفاوت‌های اساسی دارد. برشمردن این تفاوتها در هر مرحله از آماده سازی، کار ساده‌ای نیست و در مجال این

کتاب آراسته‌ای که بر پیشخان یا پشت شیشه کتابفروشی خودنمایی می‌کند، بعد از طی فراز و نشیبهای متعدد و متنوع آماده سازی و تولید، مجال یافته تا به رخصت شبکه هزارتوی پخش آرام آرام در کنار کتابهای دیگر جایی هر چند اندک به همسایگی اختیار کند تا مگر روزی به حکم بخت و اقبال، نگاه مشتاقی او را دریابد و دستی به نوازش، غبار از چهره‌اش بزداید و چون غنیمتی گرانبها عزیزش بدارد.

□

کتاب در روند آماده‌سازی و تولید، از آغاز تا به انجام، یعنی از همان زمان که

جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:  
 - خوانا باشد،  
 - فاصله بین سطرهایش زیاد باشد،  
 - بر یک روی کاغذ نوشته شده باشد،  
 - شماره صفحات آن مرتب و مسلسل باشد،  
 - کلیه ضمائم اعم از نمودار، شکل و سایر موارد را همراه داشته باشد.

رعایت این ضوابط در دستنویس، مراحل بعدی کار را آسانتر می کند. برای مثال، خوانا بودن متن خبر، کار ویرایش و حروفچینی اثر را آسانتر می کند یا رعایت فاصله مناسب بین سطرها، به ویراستار کمک می کند تا تغییرات و اصلاحات لازم را در لابه لای همین فواصل اعمال کند، بدون آنکه نیاز باشد که در پشت صفحه و حاشیه چپ و راست صفحه چیزی بنویسد.

### ویرایش

بخشی از کار ویرایش در واقع همان ارزیابی اولیه و تعیین ویرایش پذیری اثر است. احتمال دارد اثر، ترجمه ای از یک مترجم تازه کار باشد، اما ناشر بنا به دلایلی به چاپ اثر علاقه مند گردد. در این حالت، ناشر برای اطمینان، ترجمه را برای مقابله جدی و سطر به سطر به ویراستار می سپارد.

این نوع ویرایش به اصطلاح، «ویرایش محتوایی» نامیده می شود. در ویرایش محتوایی، به ویژه در کتابهای ترجمه و متون علمی، ویراستار ضمن مقابله ترجمه با متن اصلی، به روان سازی ترجمه و یکنواخت

نوشته نمی گنجد. از این رو، در نوشته حاضر کوشیده ایم صرف نظر از این تفاوت های ریز و درشت، مسیر آماده سازی کتابی مفروض را از مرحله عقد قرارداد نشر تا مرحله چاپ به اجمال بررسی کنیم. پیش فرض ما در این بررسی مبتنی بر این است که ناشر اثر را شخصاً یا به کمک مشاوران خود ارزیابی و تأیید کرده، چاپ آن را پذیرفته و در ازای دریافت اثر، با صاحب اثر، اعم از مؤلف یا مترجم، قراردادی منعقد کرده است.

### دستنوشته یا خبر

متن مکتوبی که بر اساس آن قرارداد نشر منعقد می شود در اصطلاح، «دستنوشته» یا «خبر» نامیده می شود. این متن ممکن است به صورت دستنویس یا ماشین شده باشد یا در شرایط کنونی و با رونق حروفچینی کامپیوتری و نرم افزارهای گوناگون به صورت «دیسکت» به ناشر تحویل شود. در صورت اخیر، ناشر ناگزیر است قبل از عقد قرارداد از دیسکت ارائه شده نمونه چاپی یا به اصطلاح «پرینت» بگیرد و بعد از ارزیابی اثر، در مورد مراحل بعدی و ادامه کار برنامه ریزی کند.

در هر حال، خبر چه به صورت دستنویس یا ماشین شده ارائه شود چه به صورت دیسکت، از لحاظ ادامه کار و ضوابط مورد نظر در خبر، تفاوت چندانی را باعث نمی شود. با این همه، در خبر یا همان دستنوشته، ضوابطی باید رعایت شود که از



محل قسمتهای مختلف از جمله اتاقها، حمام، و سالن پذیرایی باید پیش بینی شده باشد. انتخاب محل مناسب برای هر قسمت ساختمان با توجه به نیازها و سایر شرایط از جمله نور، گرما، موازین بهداشتی و تناسب خانه با خانه‌های مجاور و حتی با نقشه کلی شهر تعیین می‌شود؛ به طوری که ضمن تأمین نیازهای ساکنان خانه باید با عوامل و شرایط دیگر نیز همخوانی داشته باشد. بی توجهی به هر کدام از این عوامل یا نادیده گرفتن آنها در نقشه ساختمان موجب می‌شود هدف اصلی و اولیه تأمین نشود.

کار تدوین و تألیف کتاب نیز از چنین قواعدی پیروی می‌کند. در واقع مؤلف نیز برای تهیه و تدوین کتاب ابتدا باید نقشه یا فهرستی از مطالب مورد نظر خود را در اختیار داشته باشد و بعد از تهیه این فهرست، حجم مطالب هر قسمت را تعیین کند. بعد از آن چگونگی ارائه مطالب را مشخص کند. برای مثال، برای بیان بعضی از مطالب در مواردی ارائه جدول یا نمودار از توصیف صرف کارسازتر است. در ویرایش متون تألیفی رسیدگی به این موارد و بررسی نقشه کتاب در حیطه کار ویراستار است. بنابراین کار ویراستار کتاب تألیفی به مراتب پیچیده‌تر و سنگین‌تر از ویراستار متن ترجمه است. در ویرایش متون تألیفی ممکن است ویراستار ناگزیر شود با موافقت و مشورت مؤلف فصلهایی را جابه جا کند، تقدم و تأخر مطالب بعضی از فصلها را واریسی و ساختار

کردن اصطلاحات و واژه‌ها و ضبط دقیق اسامی خاص می‌پردازد. البته در مقابله ترجمه با متن اصلی، نوع کار اهمیت خاصی دارد: اینکه متن اصلی، تاریخی باشد یا فلسفی یا یک کتاب درسی فیزیک، هر کدام ظرایف و ویرایشی خاص خود را می‌طلبد.

در باره کتب تألیف شده نیز اغلب، ویرایش محتوایی و تعیین قابلیت ویرایش پذیری اثر به همین ترتیب ضرورت پیدا می‌کند. البته ویرایش متون تألیفی با ویرایش متون ترجمه تفاوت‌هایی دارد که در ادامه مطلب به اجمال به آن می‌پردازیم.

بر خلاف متون ترجمه که در واقع، متن اصلی ملاک کار ویراستار است، در متون تألیفی هیچ نسخه و نوشته‌ای برای مراجعه و مقابله در اختیار ویراستار نیست. بنابراین در ویرایش متون تألیفی ویراستار در مرحله نخست باید ساختار اثر را از لحاظ هدفهایی که مؤلف دنبال کرده است، ارزیابی کند و ضمن آن برای این پرسشها پاسخهایی روشن بیابد: مخاطبان اصلی کتاب چه کسانی هستند؟ برآورد حجم نهایی مطالب کتاب با توجه به مخاطبان آن به چه میزان است؟ برای ارائه مطالب و انتقال مؤثر مفاهیم چه قالبی انتخاب شده است؟ همه این پرسشها در ویرایش متون تألیفی برای ویراستار مهم است. در واقع می‌توان گفت تهیه و تدوین یک کتاب تألیفی شباهت نزدیکی به کار ساختمان و خانه‌سازی دارد. برای ساختن خانه ابتدا باید نقشه‌ای تهیه کرد. در این نقشه

قبل از تعیین حروف و حروفچینی باید ویراستار مشخص کند.

- عنوانهای اصلی و فرعی: مشخص کردن عنوانهای اصلی و فرعی و ترتیب و اولویت هر کدام یکی دیگر از کارهایی است که در مرحله ویرایش فنی اهمیت زیادی دارد. در متون ترجمه با توجه به متن اصلی می توان عنوانها را شماره گذاری و اولویت هر کدام را مشخص کرد. در متون تألیفی این کار به همکاری مؤلف نیاز دارد و در مواردی هم این کار ضمن ویرایش محتوایی انجام می گیرد. به همین دلیل پیش از این اشاره کردیم که نمی توان حد فاصل مشخصی بین ویرایش محتوایی و ویرایش فنی قائل شد. چون در بررسی محتوایی اثر، ویراستار باید اطلاع داشته باشد که مؤلف مطالب خود را در چند فصل و با چه عنوانهایی ارائه کرده است. بنابراین در مشخص کردن عنوانهای اصلی و فرعی در کتابهای تألیفی همکاری مؤلف با ویراستار ضرورت دارد.

- موارد تاکید: مشخص کردن موارد مهم و مورد نظر مؤلف در مرحله ویرایش فنی یکی دیگر از مراحل این کار است. عنوان کتابها، عنوان مقالات در متن و پانویس و مواردی که مؤلف بر آنها تأکید دارد، هر کدام با ضوابط خاصی در این مرحله مشخص می شود. عنوان کتابها با حروف ایرانیک و عنوان مقالات داخل گیومه قرار می گیرد.

- پاراگرافهای جدید و نقل قولها: در مواردی به علت ناآشنایی نویسنده و مترجم، محل

جدیدی برای ارائه و بیان مطالب پیشنهاد کند. بنابراین ویراستار یک متن تألیفی ضمن آنکه باید بر متن مورد نظر احاطه و اشراف داشته باشد، باید امکانات مؤلف را نیز از نظر دسترسی به منابع و مآخذ مورد نیاز در نظر بگیرد و در مقایسه با متون ترجمه با همدلی به دستمایه مؤلف نگاه کند.

مرحله بعد از ویرایش محتوایی، «ویرایش فنی» یا صوری است. البته نمی توان بین ویرایش محتوایی و ویرایش فنی مرزبندی مشخصی قائل شد، چون مراحل کار در هر دو حوزه به طور تنگاتنگ با هم مرتبط است.

در مرحله ویرایش فنی اعمال متنوع و متعددی از جمله تعیین اولویت عنوانهای اصلی و فرعی، تنظیم پاورقیهای فارسی و لاتین، مشخص کردن موارد تأکید، تعیین محل شکلها و جدولها، پاراگرافهای جدید و نقل قولها، تبدیل سنوات، ضوابط فرمول نویسی، اعمال رسم الخط، یکدست کردن ضبط اسامی و اصطلاحات، تهیه فهرست مطالب، فهرست راهنما و واژه نامه و تنظیم صفحات آغاز و ضمایم کتاب از جمله کارهایی است که باید به آنها پرداخت. در اینجا به چند نمونه از این کارها به اجمال اشاره می شود:

- صفحات آغاز فصل: معمولاً کتابها دارای تقسیمات متعددی است که ممکن است به علت بی توجهی مانند سایر صفحه های کتاب نوشته یا ماشین شده باشد. این صفحات را

کتابها برابر نهاده اصطلاحات لاتینی نیز همراه با سایر پاورقیها نوشته می‌شود. بهتر است اصطلاحات و واژه‌های خاص مجموعاً تحت عنوان «واژه‌نامه» در انتهای کتاب بیاید.<sup>۱</sup>

- شکلها، جدولها و نمودارها: در این مرحله، مشخص کردن محل شکلها و جدولها و علاوه بر آن واریسی ترجمه مطالب داخل شکل و جدول انجام می‌گیرد.

### تعیین حروف و انتخاب قطع

یکی دیگر از مراحل آماده‌سازی در روند تحول دستنوشته به کتاب مرحله تعیین حروف و انتخاب قطع است. در این مرحله با توجه به نوع کتاب، اعم از اینکه درسی باشد یا غیردرسی، و با توجه به نوع مخاطبان کتاب و حجم نهایی آن، انتخاب حروف و قطع کتاب در دستور کار قرار می‌گیرد. در انتخاب حروف و تعیین قطع کتاب عوامل مختلفی دخالت دارد که به اجمال می‌توان به نوع کتاب و مخاطبان آن، حجم نهایی و مصور یا غیر مصور بودن کتاب اشاره کرد. البته در آثار ترجمه، انتخاب حروف و تعیین قطع، اغلب مشابه متن اصلی یا با تغییرات اندکی در آن انجام می‌شود؛ اما در کارهای تألیفی، این کار با توجه به عواملی که برשמردیم انجام می‌شود.

در انتخاب حروف معمولاً قاعده بر این است که در کتابهای مربوط به کودکان از حروف درشت‌تر و با فواصل بیشتر استفاده

شروع بندها یا پاراگرافهای جدید در متن و دستنوشته مشخص نیست و مطالب بدون توجه به دنبال هم نوشته می‌شود. برای مشخص کردن پاراگرافهای جدید در متون ترجمه به استناد متن اصلی می‌توان این موارد را مشخص کرد؛ اما در متون تألیفی کار به این سادگی نیست. البته بعید نیست در مرحله ویرایش محتوای ایرادهایی از این دست برطرف شده باشد. در هر حال مشخص کردن بندهای جدید در متون تألیفی چنانچه با مشورت مؤلف انجام شود، دقیقتر است.

مطلب دیگر، عبارات منقول از اشخاص یا کتابهاست که در مواردی با متن مخلوط می‌شود. تعیین این موارد هم در مرحله ویرایش فنی جزء کارهایی است که باید به آن رسیدگی کرد.

- پاورقیهای فارسی و لاتین: در مرحله ویرایش فنی جدا کردن پاورقیها اعم از لاتین یا فارسی از متن ضرورت دارد. ضمناً ترتیب ضبط پاورقیهای فارسی از لحاظ کتابشناسی و ترتیب و تقدم مطالب آن باید واریسی شود. به علاوه نوع پاورقیها از این لحاظ که در پای هر صفحه بیاید یا مجموعاً در انتهای فصل یا کتاب در این مرحله باید مشخص شود. علاوه بر آن در ضبط اسامی دشوار خارجی، جدانویسی عبارات لاتینی ضرورت دارد و چنانچه نویسنده و مترجم این موارد را رعایت نکرده باشد، در مرحله ویرایش فنی باید این موارد را اصلاح کرد. در بعضی از

ارائه مطلب نیز برآورده شود. معمولاً در انتخاب حروف برای متنی که شامل همهٔ این موارد است باید جدا از تناسب و توازن بین حروف، از ضوابط خاصی هم پیروی کرد: حروف عنوانهای داخل متن (تیرها) معمولاً از حروف متن متمایز است، از طرف دیگر اندازهٔ حروف پاورقیها باید با حروف متن متفاوت باشد؛ ضمن آنکه نباید با حروف به کارگرفته شده برای توضیح تصاویر و جدولها یکسان در نظر گرفته شود. توانایی در انتخاب حروف و حفظ توازن و تناسب، یک شبه و چند روزه حاصل نمی‌شود، بلکه نتیجه سالها کار و آشنایی با حروف، کتابها و متنهای مختلف است. بنابراین، برای قضاوت در مورد حروف یک کتاب کافی است صفحه‌ای از آن را بگشایید و ورق بزنید. انتخاب نامناسب و عدم توازن بین حروف در نگاه اول به چشم می‌خورد؛ در حالی که انتخاب مناسب، ضمن آنکه چشم نواز است، خواننده را هم برای پیگیری مطلب تشویق می‌کند. بنابراین، در بحث از تعیین حروف جز کار عملی و فشرده و کسب تجربه هیچ اصل و ضابطهٔ خاصی را نمی‌توان توصیه کرد. چون در هر حال انتخاب حروف از کتابی به کتاب دیگر متفاوت است و ممکن است تمامی ضوابط و اصول پیشنهادی در مورد یک کتاب، در کتاب دیگر چندان کارساز نباشد. فرض کنید کتابی در اختیار شماست که بخش اعظم آن مطالب عربی با اعرابهای فراوان است. با توجه به

می‌شود و به همین ترتیب در مقاطع سنی بالاتر اندازه حروف کوچکتر است. به علاوه در کتابهای کودکان چون حجم مواد تصویری بیشتر از مواد نوشتاری است، یکی از دلایل انتخاب حروف درشت‌تر ایجاد توازن و تعادل بین مواد تصویری و نوشتاری است. از طرف دیگر در کتابهای رمان و کتابهای درسی دوره دبیرستان حروف میانه‌ای مانند حروف ۱۳ نازک لوتوس یا انواع دیگر قلمهای موجود کاربرد بیشتری دارد. در حال حاضر، با رونق نرم‌افزارهای گوناگون حروفچینی و تنوع و دامنهٔ وسیع قلمهای متفاوت، مرحلهٔ تعیین حروف کمی پیچیده‌تر است و فردی که قرار است این کار را انجام دهد باید به جمیع این امکانات و مضمون و محتوای کتاب و ارتباط این دو با هم کاملاً اشراف داشته باشد.

در مرحلهٔ تعیین حروف، هم در حروفچینی دستی هم در حال حاضر که نرم‌افزارهای گوناگون کامپیوتری در دسترسند، حفظ توازن و تناسب بین اجزای گوناگون متن اهمیت خاصی دارد. برای نمونه، در یک متن درسی که موارد گوناگونی از جمله عنوانهای اصلی و فرعی، پاورقیهای فارسی و لاتینی، شکل و جدول و مطالب منقول و در مواردی هم کلمات قصار و عبارتهای شعری دارد، انتخاب حروف مناسب برای هر کدام از این موارد باید با توجه به «اصل توازن و تناسب» صورت گیرد؛ به طوری که مراد نویسنده در القا و



موقع عقد قرارداد تعیین شده باشد یا در مراحل بعدی به آن پرداخته شود. در انتخاب قطع نیز در واقع همان ملاک‌هایی که برای انتخاب حروف برشمردیم دخالت دارد، ضمن آنکه ملاحظات دیگری از جمله وجه اقتصادی و نوع استفاده از کتاب نیز مهم است.

از میان قطعهای رایج در ایران که کاربرد و مصرف بیشتری دارد می‌توان به قطعهای رقیعی، وزیری، رحلی، پالتویی و جیبی اشاره کرد که هر کدام بسته به نوع کتاب، انتخاب می‌شود. مثلاً برای کتابهای درسی حتی در دوره ابتدایی قطع وزیری پیش‌بینی شده است و کتابهای دبیرستانی و دانشگاهی نیز اغلب در همین قطع چاپ می‌شود. البته این نکته را هم بیفزاییم که اصلاً معلوم نیست انتخاب مثلاً قطع وزیری برای کتابهای درسی از ابتدایی تا دوره دانشگاه واقعاً قطع مناسبی باشد یا در ملاحظاتی که برای انتخاب این قطع دخیل بوده، تا چه اندازه به نوع استفاده و وجوه دیگر توجه شده است. البته، در حال حاضر، کتابهای چاپ شده بسیار کم حجمی را می‌توان دید که در قطع وزیری اصلاً شکل و شمایل مناسبی ندارد در حالی که در یک قطع کوچکتر مثل رقیعی این کتاب خوش دست‌تر و آراسته‌تر از کار درمی‌آید؛ یا فرهنگهای چند جلدی که با انتخاب قطع حروف مناسب بعید نبود تعداد جلد‌هایشان کاهش یابد و از لحاظ اقتصادی و نوع

اطلاعاتی که در مورد پایه (فاصله سطرها) و اندازه حروف دارید، چه نوع حروف و پایه‌ای برای این کتاب پیشنهاد می‌کنید که اعرابها با سطر بالا و پایین مخلوط نشود؟ یا برای کتاب دیگری که در قسمتهایی از متن فرمولهای ریاضی و بعضاً کسری دارد، با آنکه پایه  $6/4$  میلیمتر را انتخاب کرده‌اید؛ اما در فرمولهای کسری باز سطرها مخلوط شده است، چه راه حلی پیشنهاد می‌کنید؟ آیا در این قسمتها اندازه حروف را تغییر می‌دهید یا آنکه فاصله سطرها را زیاد می‌کنید؟ از میان این دو شق هر کدام را که انتخاب کنید، اشتباه کرده‌اید. چنانچه اندازه حروف را تغییر دهید، قسمتهایی از متن با بقیه مطالب ناهماهنگ می‌شود. ضمناً افزودن پایه (فاصله بین سطرها) در یک صفحه، توازن کلی کار را به هم می‌زند. بنابراین، در مورد کتابهایی از این قبیل، قبل از تعیین حروف باید همه این ملاحظات را در نظر گرفت. یعنی از همان ابتدا با توجه به نوع کار، فاصله بین سطرها را باید طوری انتخاب کرد که ضمن حفظ یکدستی در سراسر متن، مشکل درج فرمولها را حل کند. البته راههای دیگری برای درج فرمولهای ریاضی کسری وجود دارد؛ از جمله اینکه بدون تغییر حروف و پایه می‌توان فرمولها را در میانه متن آورد.

انتخاب قطع مناسب یکی دیگر از مراحل آماده‌سازی کتاب است که احتمال دارد در ابتدای کار یعنی قبل از ویرایش و در

### نمونه خوانی

بعد از مرحله حروفچینی کار بخش نمونه خوانی آغاز می شود. در مرحله نمونه خوانی نخستین نمونه ای که از حروفچینی تحویل می شود. اصطلاحاً «نمونه اول» یا «پرینت اول» نامیده می شود. در این مرحله کار تصحیح و غلط گیری نمونه های چاپی انجام می گیرد. برای این کار معمولاً در متنهای عادی و بدون فرمول این کار به صورت دو نفره انجام می شود. یک نفر متن خبر را می خواند و نفر دوم نمونه چاپی را غلط گیری می کند. در این مرحله ضمن آنکه باید غلطهای چاپی متن به دقت استخراج شود، نوع و اندازه حروف قسمتهای مختلف متن نیز باید مطابق دستورالعمل حروفچینی، کنترل شود.

کار غلط گیری و نمونه خوانی همواره به صورت دونفره نیست. در متنهای عربی و متنهای فنی که سراسر اعراب و فرمول و علائم ریاضی است، بهتر است کار نمونه خوانی به صورت یک نفره انجام شود؛ در متنهای عربی برای کنترل دقیق اعراب گذاری و در کارهای فنی برای واریسی اندیسیها و ظرایف دیگر فرمول نویسی.

بعد از غلط گیری نمونه اول، مجدداً نمونه غلط گیری شده را به حروفچینی می سپارند تا ایرادها و غلطهای چاپی را برطرف کند. بعد از برطرف کردن اغلاط چاپی و سایر موارد، نمونه بعدی که اصطلاحاً «نمونه دوم» یا «پرینت دوم» خوانده

مصرف نیز صرفه جویی شود.

بحث انتخاب حروف و قطع را در اینجا خاتمه می دهیم، چون در این قسمت ملاحظات عملی بیشتر دخالت دارد تا ضوابط نظری.

### حروفچینی

بعد از تعیین حروف و مشخص شدن اندازه ها، دستورالعمل حروفچینی تهیه می شود. این دستورالعمل راهنمای حروفچینی برای ادامه کار است. در دستورالعمل حروفچینی عرض سطرها متناسب با قطع، فاصله بین سطرها، اندازه حروف متن، طول صفحه، اندازه حروف پاورقیها و توضیح تصاویر و عنوانهای اصلی و فرعی، یک به یک، مشخص می شود.

قبل از ورود کامپیوتر و نرم افزارهای گوناگون کامپیوتری، انتخاب حروفچینی محدود به حروفچینی سربی دستی یا ماشینی یا در کارهای کمی جدیدتر حروف لاینوترون و کامپیوست بود. در حال حاضر همه این امکانات از حروفچینی دستی تا ماشینهای لاینوترون یکجا در نرم افزارهای کامپیوتری متمرکز شده است؛ به اضافه تنوع و افزایش هزاران قلم و اندازه. به علاوه با ورود پیشگر (اسکنر) کار بازسازی تصاویر و نمودارها نیز باز در همین محدوده انجام می شود و لازم نیست، کار عکاسی تصاویر و نمودارها به لیتوگرافی سپرده شود.





غلط چاپی فاحشی در کتاب نباشد، می‌توان کتاب را برای عکاسی به لیتوگرافی سپرد.<sup>۳</sup>

### لیتوگرافی، چاپ و صحافی

نمونه‌های نهایی در مرحله لیتوگرافی با همان مشخصات عکاسی و درست به شکل کتاب تنظیم و مونتاژ می‌شود. یکی از امتیازهای چاپ افست<sup>۴</sup>، در مرحله لیتوگرافی، گرفتن اوزالید<sup>۵</sup> در آخرین نمونه کتاب و بررسی و کنترل آن برای آخرین بار است؛ امتیاز و فرصتی که چاپ مسطح<sup>۶</sup> فاقد آن بود.

بعد از واریسی و مقایسه اوزالید با نمونه نهایی و کنترل دقیق شکلها و سایر اجزای هر صفحه، در صورتی که ایراد یا اغلاطی موجود نباشد، نمونه اوزالید به لیتوگرافی ارسال و مرحله تهیه کپی و زینک انجام می‌شود. بعد از کپی و تهیه زینک از تمامی متن، کار چاپ کتاب آغاز می‌شود. در این مرحله، چنانچه چاپ کتاب به صورت سیاه و سفید باشد، به میزان تیراژ کتاب، تهیه زینک برای هر فرم کتاب (۱۶ یا ۳۲ صفحه) منحصر به یک ورق زینک خواهد بود؛ اما در کارهای دورنگ یا چهاررنگ لازم است به تعداد رنگها برای هر فرم زینک جداگانه تهیه شود. بعد از پایان چاپ متن کتاب، کار چاپ جلد آغاز می‌شود. چاپ جلد ممکن است به موازات چاپ متن انجام شود یا قبل و بعد از آن و در مواردی، به طور جداگانه و در چاپخانه‌ای دیگر.

در مرحله صحافی، فرمهای چاپی ابتدا

می‌شود و نسبت به نمونه قبلی کم غلط‌تر و پاکیزه‌تر است ارسال می‌شود. کنترل نمونه دوم غالباً به صورت یک نفره انجام می‌شود و اشتباههای نمونه اول با نمونه دوم تطبیق می‌شود. غالباً کار نمونه‌خوانی در این مرحله پایان می‌گیرد، مگر اینکه غلطهای دیگری از نمونه دوم موجود باشد یا تغییرات جدیدی در متن داده شود. در این صورت برای اطمینان بیشتر بهتر است نمونه دیگری از کار تهیه شود. از نمونه دوم به بعد کار به صورت یک نفره و تطبیق نمونه‌ها با یکدیگر انجام خواهد شد و کمتر به خبر مراجعه می‌شود. البته بهتر است یکی از نمونه‌های چاپی، برای مثال نمونه اول، اگر کم غلط باشد، یا نمونه‌های بعدی را مترجم یا ویراستار کتاب بسیند و آخرین اصلاحات خود را در آن اعمال کند.

در حال حاضر کار صفحه آرای متن را نیز کامپیوتر انجام می‌دهد و حتی اگر کتاب مصور باشد جای شکلها محاسبه و خالی گذاشته می‌شود. در این مرحله، اگر مؤسسه حروفچینی پویشگر (اسکندر) هم داشته باشد، تصویرها و نمودارها عیناً طراحی و در جای خود قرار می‌گیرد.

صفحه آرای با کامپیوتر نیز مستلزم انجام دادن برخی از همان موارد لازم در صفحه آرای دستی است؛ یعنی تعیین محل سرصفحه، شروع فصل، محل پاورقیها و سایر قسمتهای متن بعد از مرحله صفحه آرای و نمونه‌خوانی دوباره متن. اگر ایرادی مهم یا

۲. معمولاً قطع رنقی برای کتابهای کم حجم قطع مناسبی است. برای اطلاع، ابعاد چند قطع رایج به سانتیمتر ذکر می‌شود: وزیری  $24 \times 16/5$ ؛ رقعی  $21 \times 14$ ؛ رحلی  $27 \times 16$ ؛ جیبی پالتویی  $20 \times 12$ ؛ خشتی  $21 \times 17$ ؛ سلطانی  $50 \times 30$ .

۳. امکان دیگری که نرم‌افزارهای کامپیوتری فراهم کرده است، چاپ نسخه‌های نهایی حروفچینی روی کاغذ کالک به طریق «چاپ آینه‌ای» یا «وارونه» است، در این صورت مرحله فیلم و عکاسی در لیتوگرافی حذف می‌شود و می‌توان همین نمونه‌ها را روی زینک کپی و کار چاپ را شروع کرد.

۴. روشی شبیه به چاپ سنگی است که در آن نقش حروف و تصاویری که باید چاپ شود به شیوه عکاسی یا کپی مستقیم به فیلم و از فیلم به لوحه حساس (زینک) منتقل می‌شود. عمل چاپ در ماشین از روی زینک انجام می‌یابد.

۵. در چاپ افست، نمونه‌ای که از فیلم مونتاژ شده به شیوه تکثیر نقشه‌های ساختمانی تهیه می‌کنند و مجموعه مطالب و تصاویری که در صفحات کتاب چاپ خواهد شد به شکل نهایی و آماده چاپ در آن نمایان است.

۶. روش چاپ نسبتاً قدیمی که در ایران «چاپ سری» و «چاپ حروفی» نیز خوانده می‌شود و در آن، عمل چاپ توسط حروف سری برجسته انجام می‌گیرد.

«ترتیب» و منظم می‌شوند و بعد از «تازدن» فرمهای چاپی به صورت ۸ یا ۱۶ صفحه، کار «برش زدن» فرمها آغاز و به کمک دست یا ماشین و با الحاق جلد صحافی می‌شود. الحاق جلد به متن یا با چسب انجام می‌شود یا با دوختن جلد به متن. انتخاب نوع صحافی از این نظر که به صورت «ته چسب» باشد یا «ته دوخت» همان طور که در آغاز این نوشته اشاره شد از نوع همان تفاوت‌های ریز و درشتی است که در روند تحول دستنوشته به کتاب، برشمردن یک به یکش به آسانی مقدور نیست و بسته به نوع کتاب، از لحاظ حجم، مضمون و محتوا و مخاطبان آن طراحی و برنامه‌ریزی می‌شود.

در هر حال با خروج کتاب از صحافی تحول دستنوشته به کتاب ظاهراً پایان می‌گیرد؛ اما از سوی دیگر فصل دیگری از داستان کتاب آغاز می‌شود؛ «فصلی با عنوان جستجوی خواننده و خریدار».

## پاورقیها

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد پاورقی یا حاشیه رجوع کنید به: حسین معصومی همدانی؛ «در حاشیه»؛ درباره دیابش؛ مرکز نشر دانشگاهی؛ چاپ دوم ص ۱۲۲ - ۱۴۵.